

## بررسی سلسله مراتب نیاز های کارل راجرز در مثنوی مولانا

هادی یوسفی<sup>۱</sup>، شهلا علی پور<sup>۲</sup>

۱-استادیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، واحد سنندج؛ ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور واحد سنندج؛ ایران

## چکیده

مثنوی یکی از عالی ترین منابع شهودگرایی و عرفان مثبت است از دیدگاه مولانا، آن چه مایه ی تعالی و تکامل بشر است؛ در وجود خود او نهفته است و مراحل این سیر تعالی و تکامل را از جمادی آغاز می کند تا به مرتبه حیوانی می رسد و از آن پس به سوی مرحله انسانی و سر انجام در نوک قله ی تکامل که نفس مطمئنه و نفس ملکی دست می یابد. کارل راجرز روان شناس مشهور انسان گرا نیز معتقد است که هر کس باید بر تجربه هایی تکیه کند و این تنها واقعیتی است که هر فرد می تواند از طریق آن خود را بشناسد. او تحت تاثیر نظریه گرایش ذاتی انسان برای رشد و تکامل به این نتیجه رسید که آدمی گرایش به خود شکوفایی دارد. یعنی تحقق بخشی یا شکوفاسازی تمام توانایی های موجود در انسان و معتقد است هرچه فاصله ی بین خود آرمانی و خود واقعی کمتر باشد، شخص احساس رضایت بیشتری می کند و این همان مفهومی است که مولانا از آن به نفس مطمئنه تعبیر می کند. برطبق الگوی راجرز تکامل انسان از نیازهای فیزولوژیک که به تعبیر مولانا همان مرحله حیوانی است آغاز می گردد و بعد به مرحله انسانی می رود تا اینکه در اوج قله ی کمال، مرحله تحقق به خود شکوفایی می رسد که مولانا آن مرتبه را نفس ملکی می داند. در این مقاله تلاش بر آن است بانگاهی اجمالی به آراء و نظریات هر دو دانشمند به مقایسه ی سیر تکامل و تعالی انسان از نظر گاه بزرگانی از شرق چونان مولانا و دانشمندان غرب از جمله کارل راجرز پرداخته شود.

واژگان کلیدی: مولانا، راجرز، انسان، تکامل، خود شکوفایی، نفس مطمئنه